

\* سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّيْتَهُمْ عَن قِبَلَتِهِمْ الَّتِي كَانُوا  
 عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ  
 مُسْتَقِيمٍ ﴿١٤٢﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا  
 شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا  
 جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبِعَ الرَّسُولَ  
 مِمَّن يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ  
 هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ  
 بِالنَّاسِ لَرءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤٣﴾ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ  
 فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ  
 الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِن  
 الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ  
 بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٤﴾ وَلِئِن آتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ  
 بِكُلِّ آيَةٍ مَّا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبَلَتِهِمْ  
 وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلِئِن آتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِّنْ  
 بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٥﴾

به زودی برخی از مردم ابله می گویند: چه چیزی مسلمانان را از قبله ای [چون بیت المقدس] که [در عباداتشان] به سوی آن بودند برگرداند؟ بگو مالکیت مشرق و مغرب فقط ویژه خداست، هر که را بخواهد به راه مستقیم هدایت می کند «۱۴۲» [همان گونه که به زودی کعبه را قبله شما می گردانیم تا به راه راست هدایتتان کنیم،] همچنین شما را امتی معتدل و میانه رو قرار دادیم تا [با دوری از افراط و تفریط در همه امورتان] بر مردم گواه و حجت باشید، و پیامبر هم گواه و حجت بر شما باشد، و ما قبله ای [چون بیت المقدس را] که [در عبادات] به سوی آن بودی قرار ندادیم مگر برای این که کسی را که از پیامبر پیروی می کند از کسی که [با تغییر قبله] از اسلام بازمی گردد [و بر تعصب جاهلانه اش اصرار دارد] مشخص نماییم، قطعاً [این تغییر قبله] جز بر کسانی که خداوند هدایتشان کرده گران و سخت بود، و خداوند بر آن نیست که عملکرد ایمانی شما را [که یکی از ثمراتش سال ها نماز خواندن به طرف بیت المقدس بود] تباه کند؛ زیرا خداوند به مردم بسیار مهربان و مهربان است «۱۴۳» ما روی آوردن [بسیار] تو را به سوی آسمان [به امید نزول فرشته وحی برای تغییر قبله] می بینیم، مسلماً تو را به سوی قبله ای که به آن خشنود شوی برمی گردانیم، اکنون رویت را به سوی مسجد الحرام بگردان، و [شما ای مسلمانان!] هر جا که باشید روی خود را به سوی آن بگردانید، قطعاً اهل کتاب می دانند که تغییر قبله از سوی پروردگارشان کاری برحق است؛ [زیرا در تورات و انجیل خوانده بودند که پیامبر اسلام به سوی دو قبله نماز خواهد خواند،] و خداوند از آنچه [برای پنهان نگاه داشتن آیات تورات و انجیل در مسئله تغییر قبله] انجام می دهند بی خبر نیست «۱۴۴» سوگند [به حق!] اگر برای اهل کتاب هر دلیل روشنی بیاوری از قبله تو [به علت لجاجت و عنادشان] پیروی نمی کنند، و تو نیز [پس از قبله شدن کعبه] پیروی قبله آنان نخواهی بود، و یهود و نصاری [که هریک مدعی قبله خاصی برای خود هستند] از قبله یکدیگر پیروی نخواهند کرد، اگر پس از دانش کاملی که [چون قرآن] برایت آمده از خواسته های [نامشروع] آنان پیروی کنی مسلماً از ستمکاران خواهی بود «۱۴۵»

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ، كَمَا يَعْرِفُونَ آبَاءَهُمْ  
 وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٤٦﴾ الْحَقُّ  
 مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١٤٧﴾ وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ  
 هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ  
 جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٤٨﴾ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ  
 فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ  
 وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٩﴾ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ  
 وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا  
 وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ  
 ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمْنَعِي عَلَيْكُمْ  
 وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٠﴾ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا  
 عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ  
 وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿١٥١﴾ فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ  
 وَأَشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿١٥٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
 اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٣﴾

اهل کتاب همان گونه که پسرانشان را می شناسند پیامبر اسلام را [بر اساس اوصافی که از او در تورات و انجیل خوانده اند] می شناسند، یقیناً گروهی از آنان حق را درحالی که به آن آگاهند پنهان می دارند «۱۴۶» [ای امت اسلام! این دستور] حق [که تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه است] از سوی پروردگار شما است؛ بنابراین از تردید کنندگان به آن مباشید «۱۴۷» برای هر گروهی قبله ای است که خداوند گرداننده روی آنان [به سوی آن قبله] است، پس [به جای نزاع و کشمکش درباره قبله] به سوی کارهای خیر پیشی جوئید، خداوند همه شما را هر جا که باشید [به صحرای محشر] می آورد، مسلماً خداوند بر هر کاری تواناست «۱۴۸» از هر جا [برای سفر یا کار دیگر] بیرون رفتی [در حال اقامه نماز] رویت را به سوی مسجدالحرام بگردان! بی تردید این فرمان از نزد پروردگارت حق است، و خداوند از آنچه [شما مردم] انجام می دهید بی خبر نیست «۱۴۹» [آری ای پیامبر!] از هر جا بیرون شدی رویت [را برای اقامه نماز] به سوی مسجدالحرام بگردان، و [شما ای مسلمانان!] هر جا که باشید رویتان را [در حال نماز] به سوی آن بگردانید تا برای مردم [که بر اساس تورات از تغییر قبله خبر دارند] بر ضد شما حجت و بُرهانی نباشد، جز کسانی از آنان که [به آیات خدا] ستم ورزیده اند؛ بنابراین از [تبلیغات ناروای متعصبان و متکبران] اهل کتاب [بر ضد خود و احکام حق و به ویژه تغییر قبله] نترسید، بلکه از [مخالفت با احکام] من بترسید، و [تغییر قبله] برای آن است که نعمتم را بر شما کامل کنم تا به هدایت راه یابید «۱۵۰» همان گونه [که تغییر قبله کامل کردن نعمتم بر شما بود، این حقیقت هم نوع دیگری از کامل کردن نعمتم بر شماست] که در بین شما رسولی از خودتان فرستادیم که همواره آیات ما را بر شما تلاوت می کند، و شما را [از آلودگی های اعتقادی و اخلاقی و عملی] پاک می سازد، و قرآن و معارف استوار و سودمند را به شما تعلیم می دهد، و آنچه را [از علوم] نمی دانستید به شما می آموزد «۱۵۱» [چنانچه خوش بختی دنیا و آخرت را می خواهید] مرا [به عنوان معبود حقیقی قلبا] مورد توجه قرار دهید، تا [با پاداش ویژه ام] شما را مورد عنایت خاص خود قرار دهم، و نیز مرا [که نعمت رسالت پیامبر و تغییر قبله را به شما دادم] سپاس گزاری کنید، و به کفران [نعمت] روی نیاورید «۱۵۲» ای اهل ایمان! [برای حل مشکلات خود و مصونیت از آلودگی ها و رسیدن به رحمت خداوند] از صبر و نماز کمک بخواهید؛ زیرا خداوند با صابران است «۱۵۳»

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتَ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ  
 لَا تَشْعُرُونَ ﴿١٥٤﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ  
 وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾  
 الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ  
 ﴿١٥٦﴾ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ  
 هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾ \* إِنَّ الصَّافِيَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ  
 فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا  
 وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٥٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ  
 يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ  
 لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ  
 ﴿١٥٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّوْا فَاُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ  
 وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ  
 كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ  
 ﴿١٦١﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿١٦٢﴾  
 وَالْهَكْمُ لِلَّهِ وَحْدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٣﴾

و به آنان که در راه خدا کشته می شوند مرده نگوئید، بلکه [شهیدان] زنده اند ولی شما [کیفیت زنده بودنشان را] درک نمی کنید! «۱۵۴» مسلماً شما را به چیزی از ترس، گرسنگی، کاهش بخشی از اموال و جان ها و نیز محصولات نباتی، [یا ثمرات باغ زندگی چون پسران و دخترانتان] آزمایش می کنیم [تا مشخص گردد چه کسی در برابر هجوم بلاهای آزمایشی در مدار دین می ماند، و چه کسی طاقت نیاورده، دین گریز می شود،] و [تو ای پیامبر!] صبرکنندگان را بشارت ده «۱۵۵» همان کسانی که چون مصیبتی [سخت] به آنان رسد می گویند: «إِنَّا لِلَّهِ وَاِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» ما مملوک خداییم و بی شک به سوی او بازمی گردیم «۱۵۶» آنان هستند که درودها و رحمتی [ویژه] از سوی پروردگارشان برای آنان [ثابت و قطعی] است، و هم آنان راه یافتگان [به صراط مستقیم] اند «۱۵۷» مسلماً صفا و مروه از نشانه های خداست، پس کسی که حج خانه کعبه کند یا عمره انجام دهد بر او باکی نیست که فاصله میان آن دو را ببیماید، و کسی که [بنا به خواست خودش افزون بر واجبات حج،] کار نیکی [چون طواف بیت و سعی مستحب] به جای آورد، قطعاً خداوند [در برابر عمل او] پاداش دهنده، و [به وضعیت او] داناست «۱۵۸» یقیناً کسانی که آنچه را ما از دلایل آشکار و مایه هدایت نازل کردیم، پس از آن که همه آن ها را در کتاب آسمانی برای مردم روشن ساختیم پنهان می کنند [تا مردم به قرآن و پیامبر و معارف دینی و احکام الهی ایمان نیاورند،] خداوند لعنتشان می کند و لعنت کنندگان هم آنان را لعنت می کنند «۱۵۹» مگر کسانی که روی به توبه آوردند و [مفاسد خود را] اصلاح کردند، و [آنچه را از حقایق پنهان کرده بودند برای مردم] روشن ساختند، در نتیجه توبه آنان را می پذیرم؛ زیرا من بسیار توبه پذیر و مهربانم «۱۶۰» آنان که منکر [خدا و پیامبران و قیامت] شدند و در حال انکار از دنیا رفتند، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنان باد! «۱۶۱» در آن لعنت [که محرومیت از رحمت خداست] جاودانه اند، نه عذاب از آنان سبک می شود، و نه مهلتشان می دهند [تا عذرخواهی کنند] «۱۶۲» معبود شما معبودی یگانه است، جز او هیچ معبودی وجود ندارد، رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی «۱۶۳»

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
 وَالْفَلَكَ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ  
 مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا  
 مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِينَ  
 السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾ وَمِنَ النَّاسِ  
 مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ  
 ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ  
 الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾  
 إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ  
 وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ  
 لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ  
 أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾  
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا  
 خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٦٨﴾ إِنَّمَّا يَأْمُرُكُمْ  
 بِالسُّوْءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾

مسلماً در آفرینش آسمان ها و زمین، و رفت و آمد شب و روز، و کشتی هایی که در دریاها [با جابه جا کردن مسافر و کالا] به سود مردم روانند، و بارانی که خداوند از آسمان به زمین فرود آورده و به وسیله آن زمین را پس از مردنش زنده ساخته، و در آن از هر نوع جنبنده ای پخش کرده، و جابه جا کردن بادها و ابرهای به کار گرفته شده میان آسمان و زمین، نشانه هایی است [از قدرت و ربوبیت و رحمت خدا] برای گروهی که می اندیشند «۱۶۴» برخی از مردم به جای خدای یگانه معبودهایی را [برای پرستیدن] انتخاب می کنند که آن ها را چنان دوست دارند که سزاوار است خدا را آن گونه دوست داشته باشند! ولی مؤمنان محبتشان به خداوند [چون او را مبدأ حقایق و کلیددار هستی و مالک همه چیز می دانند] از هر چیز بیشتر است. آنان که [با انتخاب معبودهای باطل و پوچ] ستم روا داشتند وقتی عذاب را ببینند قاطعانه خواهند فهمید که همه قدرت ویژه خداست، و خداوند [بر این محجوب ماندگان از توحید،] سخت کیفر است «۱۶۵» در آن هنگام پیشوایان [شرک و بت پرستی] از پیروانشان بیزاری می جویند، و همگی عذاب را می بینند، و راه چاره بر آنان بسته می شود «۱۶۶» و آنان که [به جای خدا از پیشوایان شرک و کفر] پیروی کردند می گویند: ای کاش برای ما بازگشتی [به دنیا] بود! تا ما هم از آنان [و فرهنگ باطلشان] بیزاری می جستیم، همان گونه که اینان [در این عرصه قیامت] از ما بیزاری جستند، خداوند به این صورت اعمالشان را که برای آنان مایه حسرت هاست به ایشان نشان می دهد، و اینان هرگز از آتش بیرون آمدنی نیستند «۱۶۷» ای مردم! از آنچه [از انواع میوه ها و خوراکی ها] در زمین است درحالی که برای شما حلال و دلپذیر قرار داده شده بخورید، و از گام های شیطان [که انواع محرّمات است] پیروی نکنید؛ زیرا او دشمن آشکار شما است «۱۶۸» او شما را فقط به بدکرداری و کارهای بسیار زشت فرمان می دهد، و این که [وادارتان می کند بر پایه عدم شناختن از حقایق دینی،] اموری را [به عنوان حلال و حرام] به خدا نسبت دهید «۱۶۹»

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا آَلَيْنَا  
عَلَيْهِ ءِآبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ ءِآبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا  
يَهْتَدُونَ ﴿١٧٠﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ  
بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بكم عُمى فهم لا يعقلون  
﴿١٧١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ  
وَأَشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١٧٢﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ  
عَلَيْكُمْ ءَلْمِيَّةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِزْيِرِ وَمَا أَهْلَ بِهِ لغيرِ  
اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَآغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ  
غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٧٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِن  
الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ءِثْمًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ  
فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٤﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ  
أَشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا  
أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿١٧٥﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ  
وَإِنَّ الَّذِينَ أَخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿١٧٦﴾

هنگامی که به آنان [که مشرک و کافرند] گفته شود از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید، می گویند: [نه!] بلکه از آیینی که پدرانمان را بر آن یافتیم پیروی می کنیم. آیا اگر پدرانشان چیزی نمی فهمیدند، راه [حق را به سبب کوردلی] نیافتند [باز هم از آنان پیروی می کنند] «۱۷۰» مَثَل [دعوت کننده] کافران [به ایمان] مانند کسی است که بر حیوانی [برای نجات دادنش از خطر] بانگ می زند، ولی آن حیوان جز آوا و صدایی [که مفهومش را درک نمی کند] نمی شنود، کافران [از شنیدن حقایق]، کر و [از گفتن واقعیات و پرسش از مسائل حق]، لال و [از دیدن آثار توحید و آیات الهی] کورند، به این سبب اهل اندیشه نیستند «۱۷۱» ای اهل ایمان! از [انواع میوه ها و] خوردنی های دلپذیر که روزی شما کرده ایم بخورید، و از خدا سپاس گزاری کنید اگر فقط او را می پرستید «۱۷۲» جز این نیست که [خداوند دانای مهربان برای مصون ماندن شما از زیان های جسمی و روحی] مردار، خون، گوشت خوک و حیوانی را که هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن برده شده بر شما حرام کرده است، پس کسی که [برای نجات جانش از خطر، به خوردن آن ها] ناچار شود درحالی که خواهان لذت نباشد و از حد لازم تجاوز نکند گناهی بر او نیست؛ زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است «۱۷۳» قطعاً کسانی که آنچه را خداوند [از احکام، معارف، حلال و حرام] به عنوان کتاب [آسمانی] نازل کرده [به خاطر سود نامشروع خود، از مردم] پنهان می کنند، و در برابر این [پنهان کاری] بهای اندکی به دست می آورند جز آتش در شکم های خود نمی ریزند، خداوند روز قیامت با آنان سخن نمی گوید، و [از گناهان و زشتی های مرتکب شده] پاکشان نمی سازد، و برای آنان عذابی دردناک است «۱۷۴» اینانند که گمراهی را به جای هدایت، و عذاب را در عوض آمرزش خریده اند، [شگفتا!] چه اندازه بر آتش دوزخ شکیبایند «۱۷۵» آن [عذاب] به این علت است که خداوند کتاب [آسمانی] را به درستی و راستی [برای هدایت همه مردم] نازل کرد، ولی اینان آن را از زندگی حذف کرده، و در انکارش کوشیدند و مایه اختلاف قرارش دادند، و مسلماً آنان که در [معانی و مفاهیم] کتاب اختلاف کردند [تا حقایق و احکام آن از مردم پنهان بماند] در دشمنی عمیقی [نسبت به حق و حقیقت] قرار دارند «۱۷۶»

\* لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ  
 وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ  
 وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ  
 وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ  
 الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا  
 وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ  
 صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ  
 عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرْبِ بِالْحَرْبِ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ  
 بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّءْهُ  
 إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ  
 بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٨﴾ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي  
 الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧٩﴾ كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ  
 أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ  
 بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿١٨٠﴾ فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ  
 فَإِنَّمَا إِثْمُهُ وَعَلَى الَّذِينَ يَبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٨١﴾

نیکی [محدود به] این نیست که روی خود را [برای عبادت] به سوی مشرق و مغرب کنید؛ بلکه نیکی وجود [والای] کسانی است که به خدا، روز قیامت، فرشتگان، کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان [استوار و ثابت] آورده اند، و دارایی [خود] را با آن که دوست دارند به خویشان و یتیمان و درماندگان، و در راه مانده بی زادوتوشه، و تهیدستانی که درخواست کمک دارند و در راه [آزادی] بردگان می پردازند، و نماز را [با شرایط ویژه اش] می خوانند و زکات می پردازند، و چون پیمان ببندند به پیمان خود وفا می کنند، و در سختی ها و تنگدستی و هنگام جنگ شکیبایند، اینانند که [در ادعای دینداری] راستگویند، و اینانند که به شدت پرهیزکنندگان [از طغیان و تبهکاری] اند «۱۷۷» ای مؤمنان! در مورد کشته شدگان، قصاص بر شما مقرر شده است؛ آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده، زن در برابر زن. پس کسی که [مرتکب قتل شده چنانچه] از سوی برادر دینی اش [که ولی مقتول است] مورد چیزی از عفو قرار گرفت [که در عوض قصاص، خون بها پردازد] پس رعایت کردن روش پسندیده [درباره وضع مادی قاتل که چه اندازه پردازد، بر عهده عفوکننده از قصاص است]، و [قاتل، مسئول] پرداخت خون بها با نیکی و خوشرویی است. این [حکم خون بها] تخفیف و رحمتی است از سوی پروردگارتان، پس هر که بعد از چشم پوشی از قصاص، تجاوز کند [و به کشتن قاتل برخیزد] برای او عذابی دردناک است «۱۷۸» ای خردمندان! برای شما در قصاص مایه حیاتی ویژه است، و [حکم قصاص] برای این است که [از هرگونه تعدی و تجاوز و امور غیر شرعی] پرهیزید «۱۷۹» بر شما مقرر شده چون یکی از شما را مرگ فرارسد اگر مالی از خود به جا گذاشته، به صورتی پسندیده برای پدر و مادر و خویشان وصیت کند، این حقی است بر عهده کسانی که [از خدا اطاعت کرده، از محرّماتش] پرهیزند «۱۸۰» آنان که پس از شنیدن وصیت، در آن تغییری دهند گناهِش فقط بر عهده تغییر دهندگان است، یقیناً خداوند شنوای کلام وصیت کننده]، و دانا [ی به اعمال تغییر دهندگان وصیت] است «۱۸۱»

فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ  
 عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٨٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ  
 عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ  
 لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٨٣﴾ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ  
 مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى  
 الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا  
 فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ  
 ﴿١٨٤﴾ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِلنَّاسِ  
 وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ  
 الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ  
 مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ  
 الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا  
 هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٨٥﴾ وَإِذَا سَأَلَكَ  
 عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ  
 فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾

کسی که از انحرافِ سهوی و نا آگاهانهٔ وصیت کننده [در مورد حقوق ورثه]، یا انحرافِ عمدی و آگاهانهٔ او [مبنی بر وصیت به امور نامشروع و ناحق] بترسد، و بین ورثه [با تغییر دادن وصیت بر اساس احکام دین] اصلاح دهد گناهی بر او نیست، همانا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است «۱۸۲» ای مؤمنان! روزه بر شما واجب شده همان گونه که بر پیشینیان شما واجب شده بود، [فلسفهٔ وجوب روزه این است که] تا [شما با اساک در ماه رمضان] به [روحیه اطاعت از خدا، و] پرهیز [از محرّماتش] آراسته شوید «۱۸۳» [در] روزهایی چند و اندک [روزه بگیرید!] پس هر که از شما بیمار یا در سفر باشد [به تعداد روزه های از دست رفته] از روزهای غیر [رمضان] روزه بگیرد، و بر کسانی که روزه گرفتن برایشان طاقت فرساست، کفارهٔ آن طعام دادن به یک نیازمند [در عوض هر روزه از دست رفته] است، و هر کس به خواست خودش [افزون بر کفارهٔ واجب] به طعام نیازمند بیفزاید برایش خیر [بیشتری] است، و روزه گرفتن [هر چند دشوار باشد] اگر [پاداش و آثار معنوی اش را] بدانید برای شما بهتر است «۱۸۴» [آن روزهای چند و اندک که روزه در آن واجب گشته] ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن در آن نازل شده؛ [قرآنی که همهٔ آیاتش] هدایتگر مردم و دربردارندهٔ دلایلی روشن از هدایت، و میزان تشخیص [حق از باطل] است، پس کسی که در این ماه [در وطنش] حاضر باشد باید همهٔ ماه را روزه بگیرد، و آن که بیمار یا در سفر است [به تعداد روزه های از دست رفته] روزهای غیر [رمضان] را روزه بدارد، [حکم قضای روزه بر این است که] خداوند برای شما آسانی می خواهد نه سختی، و برای این است که [با گرفتن روزه های از دست رفته]، تعداد [روزهای رمضان] را کامل کنید، و خدا را به پاس آن که شما را [به حقایق] راهنمایی نموده به عظمت و بزرگی ستایش کنید، و نیز برای این که [به سبب نعمت کم نظیر ماه رمضان و روزه در آن] سپاس گزار باشید «۱۸۵» چون بندگانم از تو دربارهٔ من بپرسند، [بگو:] یقیناً من نزدیکم! دعای دعاکننده را وقتی مرا بخواند اجابت می کنم؛ پس باید [برای تأمین خیر دنیا و آخرتشان، خواسته های] مرا [عملاً] اجابت کنند، و به من ایمان بیاورند تا [به رشد و صواب] راه یابند «۱۸۶»

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ  
 لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ  
 تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ  
 بَاشِرُوهُنَّ وَأَبْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا  
 حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ  
 الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَشِّرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ  
 عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ  
 يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٨٧﴾ وَلَا تَأْكُلُوا  
 أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ  
 لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ  
 ﴿١٨٨﴾ \* يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ  
 وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ  
 مَنْ اتَّقَىٰ وَأَتَىٰ الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَأَتَقُوا اللَّهَ  
 لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٨٩﴾ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ  
 يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿١٩٠﴾

آمیزش با همسرانتان در شبِ روزهایی که روزه دار هستید بر شما حلال شد، آنان برای شما لباس [عفافِ معنوی]، و شما هم برای آنان پوشش [عفافِ معنوی] هستید، خدا آگاه بود که شما [پیش از حلال شدن آمیزش در شب رمضان] به خود حيله می زدید [به آمیزش روی می آوردید و توبه می کردید]، پس توبه تان را پذیرفت و از شما گذشت کرد، اکنون [آزادید که] با همسرانتان آمیزش کنید، و آنچه را خداوند [در این کار از ثواب، پاکدامنی و فرزند صالح] برای شما مقرر داشته از او بخواهید، و بخورید و بیاشامید تا رشتهٔ سپیدِ صبح از رشتهٔ سیاهِ شب برای شما آشکار شود، سپس روزه را تا شب به پایان برید! با همسرانتان درحالی که در مساجد معتکف هستید آمیزش نکنید! این ها حدود خداست، در حفظ آن ها بکوشید، خداوند به این صورت آیاتش را برای مردم بیان می کند تا [با عمل به آن ها] به [روحیه اطاعت از خدا و] پرهیز [از محرّماتش] آراسته شوند «۱۸۷» اموال یکدیگر را در بین خود به صورت نامشروع نخورید! و آن را [به عنوان رشوه] برای قاضیان دادگاه ها نفرستید تا بخشی از اموال مردم را [با توسل به گناه عمدی که حکم ظالمانهٔ قاضیان رشوه خوار است] بخورید، درحالی که حرمت رشوه و [حرمت به ناحق خوردن اموال دیگران را] می دانید «۱۸۸» از تو دربارهٔ هلال های ماه می پرسند، بگو: آن ها وسیلهٔ تعیین اوقات [برای نظام زندگی] مردم، و [تعیین زمان] مراسم حج است. و نیکی آن نیست که به خانه ها [برخلاف متعارف] از پشت آن ها وارد شوید، [آن گونه که اعراب جاهلی در حال احرام از دیوار پشت خانه وارد می شدند]؛ بلکه نیکی، [وجود والای] کسی است که [از فسق و طغیان و هر کار غیر متعارفی] می پرهیزد، به خانه ها از درهای آن ها وارد شوید، و خدا را [اطاعت کرده، از محرّماتش] بپرهیزید تا [بر موانع راه سعادت] پیروز شوید «۱۸۹» و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند بجنگید، و [هنگام جنگ از مقررات و احکام آن، که در قرآن و احکام دینی آمده] تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست ندارد «۱۹۰»

وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمُ وَالْفِتْنَةُ  
 أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقْتُلُواهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَتَّلُوا كَمَا  
 فِيهِ فَإِنْ قَتَلْتُمْ فَأَقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿١٩١﴾ فَإِنَّ أَنْتَ هُوَ  
 فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٩٢﴾ وَقَتِلُواهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ  
 الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَهُمْ أَفْلَا عُدَّوْنَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٩٣﴾ الشَّهْرُ الْحَرَامُ  
 بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَتُ قِصَاصٌ فَمَنْ أَعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا  
 عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ  
 الْمُتَّقِينَ ﴿١٩٤﴾ وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِكُمُ إِلَى التَّهْلُكَةِ  
 وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٩٥﴾ وَاتَّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ  
 فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ  
 الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ  
 مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ  
 فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ  
 وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي  
 الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٩٦﴾

و آنان را [که از شرک و کفر و هیچ ستمی باز نمی ایستند] هر کجا یافتید بکشید، و از جایی که شما را بیرون کردند بیرونشان کنید! و فتنه [که بُت پرستی و بیرون کردن مردم از کاشانه و وطنشان باشد]، از کشتار بدتر است، و کنار مسجدالحرام با آنان نجنگید مگر آن که در آن جا با شما بجنگند، پس اگر با شما وارد جنگ شدند آنان را بکشید که کیفر کافران همین است «۱۹۱» اگر [از فتنه گری و جنگ] بازایستند مسلماً خدا [به آنان] بسیار آمرزنده و مهربان است «۱۹۲» و با آنان بجنگید تا فتنه ای بر جای نماند، و دین [و طاعت] ویژه خدا باشد [و در نتیجه حاکمیت شیاطین نابود گردد]، نهایتاً اگر بازایستند [شما هم به جنگ پایان دهید! و از آن پس] تجاوز و تعدی جز بر ضد ستمکاران روا نیست «۱۹۳» ماه حرام در برابر ماه حرام است، [اگر دشمن حرمت آن را رعایت نکرد و با شما در آن جنگید شما هم برای حفظ حقوق و کیان خود در همان ماه با او بجنگید!] و همه حرمت ها دارای [قانون] قصاص [و انتقام] است؛ بنابراین هر که به شما تعدی کرد شما هم به مانند او به وی تعدی کنید! و خدا را [اطاعت کرده، از محرّماتش] بپرهیزید، و بدانید که خدا با کسانی است که از او [اطاعت کرده، از محرّماتش] بپرهیزند «۱۹۴» و در راه خدا انفاق کنید، و [با ترک این کار پسندیده یا هزینه کردن میال در راه نامشروع،] خود را به هلاکت نیندازید! و نیکی کنید که مسلماً خدا نیکوکاران را دوست دارد «۱۹۵» حج و عمره را [با نیتی خالص] برای خدا به پایان برسانید! و اگر [دشمنان،] شما را از انجام آن باز داشتند آنچه را از قربانی برای شما میسر است [قربانی کرده، از احرام درآید،] و سر خود را تراشید تا قربانی به محلش برسد، و اگر کسی از شما بیمار بود یا در سرش آسیبی قرار داشت [و از تراشیدن سر چاره ای نداشت جایز است سرش را بتراشد، و به این سبب] کفّاره ای چون روزه یا صدقه یا قربانی بر عهده اوست، و زمانی که [از مانع شدن دشمن] در امان قرار گرفتید پس هر که با پایان بردن عمره تمتع به سوی حج تمتع رود آنچه از قربانی میسر است [قربانی کند]، و کسی که قربانی نیابد سه روز روزه در [همان سفر] حج، و هفت روز روزه هنگامی که به وطن بازگشتید بر عهده اوست، این ده روز کامل است [و قابل کم و زیاد شدن نیست]، این وظیفه کسی است که [خود و] خانواده اش ساکن منطقه مسجدالحرام نباشند. و خدا را [اطاعت کرده، از محرّماتش] بپرهیزید و بدانید که خدا [نسبت به طاغیان] سخت کیفر است «۱۹۶»

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا  
 رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ  
 خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ  
 وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ ﴿١٩٧﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ  
 أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ  
 عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِندَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ  
 وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْتُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ  
 لَمِنَ الضَّالِّينَ ﴿١٩٨﴾ ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ  
 النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٩٩﴾  
 فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ  
 آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ  
 رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ  
 ﴿٢٠٠﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً  
 وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١﴾ أُولَٰئِكَ  
 لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٢٠٢﴾

حج در ماه های معینی است [شَوَّال، ذُو القَعْدَه و ذُو الحِجَّه]، پس کسی که عمره تمتع را [از اول شَوَّال تا نهم ذُو الحِجَّه]، و حج تمتع را [از نهم ذُو الحِجَّه تا دوازدهم آن با احرام بستن و تلبیه گفتن] بر خود واجب کرد بداند که در حج آمیزش [با همسران] و خروج از اطاعت خدا و گفت و گوی توأم با نزاع و دشمنی جایز نیست، و آنچه از کار خیر انجام دهید خدا به آن دانااست، و [به سود خود] توشه بگیرید که بهترین توشه، اجتناب از فسق و طغیان است. و ای خردمندان! از من [اطاعت کرده، از محرّماتم] بپرهیزید «۱۹۷» بر شما باکی نیست که [در ایام حج] از پروردگارتان [با ورود به تجارت و دادوستد] رزق و منافع مادی بطلبید، و چون از عرفات کوچ کردید خدا را در مشعرالحرام یاد کرده، [قبلاً مورد توجه قرار دهید، آری] او را یاد کنید همان گونه که شما را [با فضل و رحمتش] از هدایت برخوردار کرد؛ گرچه پیش از این از گمراهان بودید «۱۹۸» آن گاه از همان جایی که مردم [به سوی منی] می روند شما هم بروید، و از خداوند آمرزش بخواهید؛ زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است «۱۹۹» چون مناسک خود را به پایان بردید خداوند را آن گونه که پدرانتان را یاد می کنید یا بهتر از آن یاد کنید، [در این میان] گروهی از مردم [که از مواهب معنوی و از آثار پایدار جهان دیگر غافل هستند] می گویند: پروردگارا! به ما در دنیا [کالا و متاع و مال] عطا کن، درحالی که آنان را [به سبب این غفلت و کوته نظری] در آخرت هیچ بهره ای نیست «۲۰۰» و گروهی از مردم می گویند: پروردگارا! به ما در دنیا از هرگونه خیر [و خوبی]، و در آخرت هم از هر نوع خیر [و ثواب] عطا کن، و ما را از عذاب آتش نگهدار «۲۰۱» اینانند که از دست آوردشان [از انجام مناسک و دعای خالصشان] بهره [عظیم و فراوانی] دارند، و خداوند در حسابرسی سریع است «۲۰۲»

\*وَأذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي  
 يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ  
 اتَّقَىٰ وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ  
 ﴿٢٢﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
 وَيُشْهِدُ اللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿٢٤﴾  
 وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ  
 وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ﴿٢٥﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ  
 أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُ لَهُ وَجَهَنَّمُ وَابِئْسَ  
 الْمِهَادُ ﴿٢٦﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ  
 مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
 آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ  
 الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٨﴾ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ  
 مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ  
 ﴿٢٩﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ  
 وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٣١﴾

خدا را در روزهای معین [یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذو الحجه که ایام وقوف در منی است] یاد کنید [و قلباً مورد توجه قرار دهید]، پس هر که در طول دو روز، [واجبات منی را انجام دهد و به کوچ کردن از آن] شتاب ورزد، گناهی بر او نیست، و هر که [تا روز سوم، کوچ کردنش را] به تأخیر اندازد بر او هم گناهی نیست، [اختیار کردن وقوف در منی چه در دو روز، چه در سه روز] برای کسی است که [از همه محرمات احرام] اجتناب کرده باشد. از خدا [اطاعت کنید و از محرماتش] بپرهیزید! و بدانید که همه شما مسلماً به سوی او محشور خواهید شد «۲۰۳» و از مردم کسی است که گفتارش درباره زندگی دنیا [و نقشه های به ظاهر زیبایش برای اداره امور مردم و حکومت] برای تو بسیار خوش آیند [و قابل توجه] است، او [برای این که وانمود کند دلش برخوردار از صداقت است] خدا را بر آنچه در دل دارد شاهد می گیرد، درحالی که [خداوند از دلش آگاه است که] او [قلباً] سرسخت ترین دشمن [تو و مسلمانان] است «۲۰۴» چون [چنین دشمن سرسختی] قدرت و حکومت یابد، می کوشد که در زمین تباهی و فتنه گری به بار آورد، و زراعت و نسل را [با ظلم و ستم فراوانی که می کند] نابود سازد؛ خداوند تباهی و فتنه گری را دوست ندارد «۲۰۵» چون به او گویند: از خدا [اطاعت کن و از محرمات] بپرهیز، غرور و سرسختی اش وی را به گناه وامی دارد، پس دوزخ او را بس است، و قطعاً بد جایگاهی است! «۲۰۶» و از مردم کسی [چون علی بن ابی طالب علیه السلام] است که جانش را برای به دست آوردن خشنودی خدا می فروشد، و خداوند به بندگان بسیار مهرورز است «۲۰۷» ای اهل ایمان! همگی به عرصه تسلیم [در برابر خدا و اطاعت از او] درآیید، و از گام های شیطان پیروی نکنید که او بی تردید، دشمن آشکار شما است «۲۰۸» چنانچه بعد از آن که دلایل روشن برای شما آمد بلغزید [و به شرک و کفر و فرهنگ های شیطانی روی آرید] بدانید که خدا [در انتقام از شما،] توانای شکست ناپذیر و حکیم است «۲۰۹» آیا [پیروان شیطان] جز این [مسائل را به عنوان محرک ایمان آوردن به قیامت] انتظار دارند که [عذاب] خدا و فرشتگان [مأمور عذاب] در سایبان هایی از ابر به سوی آنان آیند، و کار [نابودی آنان] پایان یابد؛ بدون شک همه کارها به سوی خداوند بازگردانده می شود «۲۱۰»

سَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيْنَهُمْ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢١١﴾ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢١٢﴾ كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَفَلَا يَنْصُرُنَا اللَّهُ إِنْ نَصَرَ اللَّهُ قَرِيبٌ ﴿٢١٤﴾ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٢١٥﴾

از بنی اسرائیل بپرس [تا اقرار کنند] چه بسیار معجزات و آیات روشن [و نعمت‌ها برای تأمین سعادت دنیا و آخرتشان] به آنان عطا کردیم، هر کس پس از این که این نعمت‌های ویژه خداوند به او رسید آن‌ها را [به کفر و تحریف در دین، و تفرقه افکنی] تغییر دهد بداند که خداوند سخت کیفر است «۲۱۱» زندگی [زودگذر و از دست رفتنی] دنیا را برای کافران آراسته جلوه داده‌اند، به این علت همواره مؤمنان [تهیدست از زیور و زینت دنیا] را مسخره می‌کنند، درحالی که مؤمنانی که از خداوند [اطاعت کرده، از محرّمات الهی] اجتناب داشتند در روز قیامت [از هر جهت] از کافران برترند، و خداوند هر کس را بخواهد بی حساب روزی می‌دهد «۲۱۲» مردم [در شروع زندگی و گردآمدن کنار هم] گروهی واحد [و یکدست] بودند [و اختلاف و نزاعی میانشان نبود، پس از پدیدآمدن اختلاف بر پایه تضاد افکار و منافع]، خداوند پیامبرانی مژده‌دهنده و بیم‌رسان برانگیخت، و با آنان بر پایه درستی و راستی کتاب نازل کرد تا در بین مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند، [کتاب‌های آسمانی وحدت‌آفرین را با تحریف و تفسیر نادرست، عامل اختلاف جدید پس از اختلاف پیش از بعثت پیامبران کردند]، و در [محتویات] آن اختلاف نکردند مگر کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، این اختلاف پس از دلایل روشنی بود که برای آنان آمد، و سببش کبر و حسد و تجاوزگری در بین خودشان بود، در نهایت خداوند اهل ایمان را به خواست خود درباره حقی که مورد اختلاف بود هدایت کرد، و خداوند هر که را بخواهد [در صورتی که لیاقت نشان دهد] به راه مستقیم هدایت می‌کند «۲۱۳» آیا پنداشته‌اید درحالی که هنوز [حادثه‌هایی] مانند [حوادث زندگی] گذشتگان برای شما پیش نیامده وارد بهشت شوید؟! به آنان سختی‌ها و تنگدستی رسید تا جایی که پیامبر و کسانی که همراه او ایمان آورده بودند [در مقام دعا و درخواست کمک] می‌گفتند: یاری خداوند چه زمانی خواهد بود؟ [به آنان مژده داده شد که] آگاه باشید یاری خداوند نزدیک است «۲۱۴» از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: هر مال و کالای سودمندی که انفاق می‌کنید [بهتر این است که] به پدر و مادر، نزدیکان، یتیمان، نیازمندان، و در راه مانده بی زادوتوشه انفاق کنید، و هر کار نیکی انجام دهید خداوند به آن داناست «۲۱۵»

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا  
 شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ  
 لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢١٦﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ  
 الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ  
 اللَّهِ وَكَفْرٌ بِهِ، وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ  
 أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ  
 يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنْ أَسْتَطَعُوا وَمَنْ  
 يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ  
 حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ  
 النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢١٧﴾ إِنْ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ  
 هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ  
 اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢١٨﴾ \* يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ  
 قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ  
 مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَكَ ذَلِكَ  
 يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١٩﴾



بر شما جنگ [با دشمن] مقرر شده؛ گرچه برایتان خوشایند نیست، بسا چیزی را خوش ندارید درحالی که برای شما خیر است، و بسا چیزی را دوست دارید و حال آن که برای شما مایهٔ زیان است، خداوند [با آگاهی فراگیرش بر همه چیز، مصلحت شما را در همهٔ امور] می داند و شما نمی دانید «۲۱۶» از تو دربارهٔ جنگ در ماه حرام می پرسند، بگو: جنگ در آن ماه [گناهی] بزرگ است، ولی [هر نوع] بازداشتن [مردم] از راه خدا، و کفرورزی به او، و [مانع شدن مردم از ورود به] مسجدالحرام [و آواره کردن] و بیرون راندن اهلیش از آن، نزد خدا بزرگ تر [از جنگ در ماه حرام] است. قطعاً فتنه [که کفر و شرک و تحمیل فرهنگ های ابلیسی به مردم، و سلب امنیت انسان ها و شکنجه کردن آنان به جرم دینداری است]، از کشتار، بزرگ تر [و گناهی سنگین تر] است. و [مشرکان و کافران] همواره با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان [که دین خداست به کفر] برگردانند، کسانی از شما که از دینشان برگردند و در حال کفر بمیرند همهٔ اعمال [خوب] شان در دنیا و آخرت تباه [و بی اثر] گشته [بر باد می رود]، چنین مردمی [که به آسانی دین حق را از دست می دهند و به فرهنگ کفر و شرک بازمی گردند] اهل آتشند، و در آن جاودانه اند «۲۱۷» یقیناً اهل ایمان و کسانی که [از دیار کفر به دار الاسلام] هجرت کرده و در راه خدا به جهاد برخاستند به رحمت خداوند امید دارند؛ و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است «۲۱۸» از تو دربارهٔ مست کننده [ها] و قمار می پرسند، بگو: در آن دو [به سبب زیان های مادی و معنوی و اجتماعی و عقلی و روانی] گناهی بزرگ است، [و ارتکابش شما را از فیوض الهی محروم می کند]، و سودهایی [اندک از خرید و فروش خمر، و بُرد و باختِ قمار] برای مردم است، و گناه هر دو [که مخرب دنیا و آخرت و نظام زندگی انسان هاست] از سودشان بیشتر است. و از تو می پرسند چه چیز انفاق کنند، بگو: از آنچه افزون بر نیاز است. خداوند این گونه آیات [و احکامش] را روشن بیان می کند تا [عمیقاً] بیندیشید «۲۱۹»

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الَّتِي تَمَىٰ قُلُوبُ اِصْلَاحٌ لَهُمْ  
 خَيْرٌ وَّان تَخَالِطُوهُمْ فَاخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ  
 الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ اِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ  
 ﴿٢٢١﴾ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ يُوْمِنَ ؕ وَلَا مَآءَةٌ مُّؤْمِنَةٌ  
 خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ اَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ  
 حَتَّىٰ يُوْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ اَعْجَبَكُمْ  
 اُولٰٓئِكَ يَدْعُونَ اِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو اِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ  
 بِاِذْنِهِ ؕ وَيُبَيِّنُ ؕ اٰيٰتِهِ ؕ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ﴿٢٢٢﴾  
 وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ اَذَىٰ فَاَعْتَرِ لَوْ اَللِّسَاءَ فِي  
 الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوْهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ فَاِذَا طَهَّرْنَ فَاْتُوْهُنَّ  
 مِنْ حَيْثُ اَمَرَكُمُ اللّٰهُ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ التَّوَّابِيْنَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِيْنَ  
 ﴿٢٢٣﴾ نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاْتُوا حَرْثَكُمْ اِنِّيْ سِئْتُمْ وَقَدِّمُوا  
 لَانَفْسِكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَعْلَمُوا اَنَّكُمْ مُّلَاقُوْهُ وَبَشِّرِ  
 الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿٢٢٤﴾ وَلَا تَجْعَلُوا اللّٰهَ عُرْضَةً لِّاِيْمَانِكُمْ اَنْ تَبَرُّوا  
 وَتَتَّقُوا وَتُصَلِّحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ﴿٢٢٥﴾

[اندیشه] درباره [همه امور مربوط به] دنیا و آخرت [خود]. و از تو درباره یتیمان می پرسند، بگو: اصلاح امورشان [که در جهت بهره مندی آنان از زندگی است] بهتر [از کار دیگر] است، و اگر با یتیمان با این نگاه که برادران شمایند معاشرت کنید [کاری خداپسندانه است]، برای خداوند فتنه گران [در امور یتیمان] و اصلاح گران مشخص هستند، و اگر خدا می خواست شما را [در مسئولیت نسبت به یتیمان] به زحمت و مشقت می انداخت؛ زیرا او توانای شکست ناپذیر و حکیم است «۲۲۰» با زنان آلوده به [فرهنگ] شرک ازدواج نکنید تا به دین خدا مؤمن شوند، مسلماً کنیز باایمان از زن آلوده به شرک بهتر است؛ هرچند [زیبایی و ثروت و موقعیت] او شما را شیفته خود سازد، و زنان باایمان را به ازدواج مردان مشرک درنیابید تا مؤمن [به اسلام] شوند، قطعاً برده مؤمن از مرد مشرک بهتر است؛ هرچند [جمال و مال و منال] او شما را خوش آید، آنان [که اسیر فرهنگ شرک هستند نه تنها مردم، بلکه زن و فرزند خود را بی رحمانه] به سوی آتش می خوانند، و خداوند به مشیت خود به سوی بهشت و آمرزش دعوت می کند، و آیاتش را برای مردم بیان می کند تا همواره حقایق را به یاد آورند «۲۲۱» از تو درباره حیض می پرسند، بگو: حیض حالتی ناملایم [و در آمیزش مایه آسیب و زیان] است، پس در زمان حیض از [آمیزش با] زنان کناره گیری کنید و با آنان نزدیکی نکنید تا پاک شوند، چون پاک شدند از جایی که خداوند به شما دستور داده با آنان آمیزش کنید، یقیناً خداوند آنان را که بسیار توبه می کنند و کسانی که خود را به انواع پاکی ها می آریند دوست دارد «۲۲۲» زنان شما کشتزار شمایند، هر زمان و هر کجا که خواستید به کشتزار خود درآیید، و [با رعایت حقوق یکدیگر و حفظ عفت و پاکدامنی و تولید نسلی پاک و صالح، مایه های نیکی] برای خود پیش فرستید، و خدا را [اطاعت کرده، از محرّماتش] پرهیزید، و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد، و مؤمنان را [به پاداش های جاوید] بشارت ده! «۲۲۳» خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید، به این که [به خداوند سوگند بخورید که] نیکی انجام ندهید و پرهیزگاری پیشه نسازید و بین مردم صلح [و صفا] برقرار نکنید؛ خداوند رضایت ندارد که نامش وسیله خودداری از کارهایی شود که خودش انجام آن ها را بر شما لازم دانسته، خداوند [شنوای همه گفته ها] و دانا [ی به همه کارهای شما] است. «۲۲۴»

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ  
 قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٢٥﴾ لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ  
 أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٢٦﴾ وَإِنْ عَزَمُوا  
 الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٧﴾ وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ  
 ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمَنَّ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ  
 إِنْ كُنَّ يُوْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبَعُولَتْهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي  
 ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ  
 وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٨﴾ الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ  
 فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا  
 مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ  
 فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ  
 بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ  
 هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٢٩﴾ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا  
 غَيْرَهُ وَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ  
 يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٢٣٠﴾

خداوند شما را به خاطر سوگندهای لغو و غیر جدی مؤاخذه نمی کند، ولی شما را به سبب آنچه دل هایتان برای اجرای آن قصد جدی داشته به عقوبت دچار می سازد؛ خدا بسیار آمرزنده و بردبار است «۲۲۵» برای آنان که سوگند می خورند که [آمیزش با] همسران خود را ترک کنند چهار ماه مهلت است، چنانچه [پس از این مهلت به آنچه مقتضای زناشویی است] بازگشتند [گناهی بر آنان نیست]؛ زیرا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است «۲۲۶» و اگر [برای پایان یافتن مشکلاتشان] تصمیم به جدایی گرفتند [در صورت رعایت شرایط طلاق منعی نیست]، یقیناً خدا [به گفتار و نیت و کردارشان] شنوا و داناست «۲۲۷» زنان طلاق داده شده باید سه پاکی را [پس از سه بار عادت ماهیانه] انتظار بکشند [و پیش از پایان یافتن سه پاکی، از ازدواج کردن اجتناب کنند]، و اگر به خدا و قیامت مؤمن هستند نباید آنچه را که خدا در رحم هایشان [از حیض یا جنین] به وجود آورده پنهان کنند [تا با این پنهان کاری، زمان عده را بر خلاف حکم حق تغییر دهند]، و شوهرانشان در مدت عده چنانچه خواهان سازش و صلح باشند به بازگرداندن آنان [به زندگی دوباره] سزاوارترند، و حقوق شایسته ای برای زنان [بر عهده مردان] است؛ به مانند حقوقی که برای مردان [بر عهده زنان] است، و مردان را بر زنان [به علت کارگزاری و تدبیر امور زندگی، و ویژگی هایی که بر اساس آفرینش وجودی خود دارند، حقوق و] رتبه ای برتر است؛ خداوند [در قانون گذاری و استواری در کار]، توانای شکست ناپذیر و حکیم است «۲۲۸» طلاق [که مرد در آن حق رجوع به همسرش را دارد] دوبار است، [شوهر در هر مرتبه از رجوع] باید [همسرش را] به صورتی شایسته نگاه دارد، یا [با عدم رجوع]، او را با خوش رفتاری رها کند، و پس گرفتن آنچه به عنوان مهریه به آنان پرداخت کرده اید بر شما حلال نیست، مگر این که هر دو بترسند که [در ادامه دادن زندگی] حدود [و قوانین] خدا را رعایت نکنند، پس [شما ای حاکمان و قضات شرع!] اگر از رعایت نکردن مقررات حق از طرف آن دو نفر بیم داشته باشید، در مالی که زن [در عوض به دست آوردن طلاق و رهایی خود] پردازد گناهی بر آنان نیست، این ها حدود خداست، از آن ها تجاوز نکنید که مسلماً متجاوزان از قوانین خداوند ستمکارند «۲۲۹» پس اگر [بعد از دو طلاق و رجوع، بار سوم] زن را طلاق داد، دیگر پس از آن، [بازگرداندن] زن بر وی حلال نیست مگر آن که با مردی غیر از او ازدواج کند، اگر [شوهر جدید] او را طلاق داد بر زن و شوهر اولش گناهی نیست که [با عقد و مهریه دوباره] به یکدیگر بازگردند، البته در صورتی که امید داشته باشند حدود خدا را [در روش همسررداری] رعایت کنند، این ها حدود خداست که برای دانایان بیان می کند «۲۳۰»

وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلْيُغْنِ أَجْلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ  
 أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ  
 يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا  
 وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ  
 يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٢١﴾ وَإِذَا  
 طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلْيُغْنِ أَجْلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ  
 أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَضُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ  
 مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ  
 يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٢٢﴾ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ  
 كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ  
 وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ  
 وَالِدَةٌ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ  
 أَرَادَ إِفْصَالٌ عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ  
 أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْرِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا  
 آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٢٣﴾



هنگامی که زنان را طلاق دادید و به پایان مدت عده رسیدند، آنان را [با رجوع کردن] به صورتی پسندیده نگاه دارید، یا [با سرآمدن مدت عده] با خوش رفتاری رهایشان کنید، و [با رجوع به همسرانتان] به قصد آزار رساندن و زیان زدن [و تجاوز به حقوق الهی و انسانی آنان] نگاهشان ندارید، کسی که چنین کند [با در معرض قرار دادن خود در برابر عذاب دنیا و آخرت] به خود ستم کرده است، آیات خدا را به مسخره نگیرید، و نعمت خدا را بر خود و آنچه از کتاب و معارف استوار و سودمند بر شما نازل کرده که شما را به آن پند می دهد به خاطر آورده [قلبا مورد توجه قرار دهید]، و خدا را [اطاعت کرده، از محرّماتش] بپرهیزید، و بدانید که خداوند به همه چیز آگاه است «۲۳۱» [ای اولیای امور، و خویشان زن و شوهر!] چون زنان را طلاق دادید و به پایان عده خود رسیدند، آنان را از ازدواج با شوهران [سابق] خود در صورتی که بین خودشان به روشی پسندیده توافق کردند باز مدارید! با این [دستور و حکم]، کسانی از شما که به خدا و روز قیامت مؤمن هستند موعظه می شوند، این [دستورها و احکام] برای شما رشدهنده تر و پاکیزه تر است، خدا [مصلح شما را در همه امور] می داند و شما نمی دانید «۲۳۲» مادران باید فرزندان خود را دو سال کامل شیر دهند، [البته این دستور] برای کسی [است] که بخواهد دوران شیرخوردن کودک را کامل کند [و اگر مایل باشد می تواند از دو سال بکاهد]، تأمین خوراک و پوشاک مادران شیردهنده به صورت شایسته بر عهده پدر فرزند است، هیچ کس بیش از مقدار طاقتش مکلف به کاری نمی شود، نباید مادری به خاطر فرزندش زیان ببیند، و نه پدری به خاطر فرزندش دچار ضرر شود [؛ بر عهده پدر است که هزینه مادر و کودک را در حد متعارف بپردازد، و بر مادر است که بیش از قدرت مالی شوهر از او درخواست هزینه نکند]، و [چنانچه پدر کودک از دنیا برود] همانند آن، [هزینه همسر و کودک] بر عهده وارث است، و اگر پدر و مادر بر پایه توافق و مشورتشان بخواهند کودک را [پیش از دو سال کامل] از شیر بگیرند گناهی بر آنان نیست، و اگر بخواهید برای فرزندان دایه بگیرید باکی بر شما نخواهد بود، البته در صورتی که هزینه دایه را به طور شایسته بپردازید، خدا را [اطاعت کرده، از محرّماتش] بپرهیزید و بدانید مسلماً خدا به آنچه انجام می دهید بیناست «۲۳۳»

وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا تَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ  
 أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ  
 فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ  
 ﴿٢٣٤﴾ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ  
 أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ  
 وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا  
 وَلَا تَعْرِزُوا عُقَدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ  
 وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَأَعْلَمُوا  
 أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٣٥﴾ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ  
 مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى  
 الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَّعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى  
 الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٣٦﴾ وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ  
 فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ  
 أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى  
 وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٧﴾

از شما مردانی که از دنیا می روند و همسرانی بر جای می گذارند باید همسرانشان چهار ماه و ده روز انتظار بکشند [و این مدت را به عنوان عِدَّةٔ وفات حفظ کنند]، چون به پایان عِدَّةٔ وفات رسیدند در آنچه دربارهٔ خود به طور شایسته [برای ازدواج یا ترک آن] انجام دهند بر عهده شما [وارثانِ متوفی و اقوام زنان] گناهی نیست، خداوند بر آنچه انجام می دهید بیناست «۲۳۴» بر شما گناهی نیست که با سخنانی کنایه آمیز [چون: من خوش معاشرتم، وفادار به زندگی خوبم، زن دوستم] از زنان [که در عِدَّةٔ وفاتند] خواستگاری کنید، یا این کار را در باطن خود تصمیم بگیرید، خداوند می داند که شما به زودی [بر اساس میل فطری و به نیت تشکیل زندگی از ازدواج] با آنان سخن خواهید گفت، ولی در پنهان به آنان وعدهٔ ازدواج ندهید مگر این که گفتارتان [بدون صراحت و شایسته و] متعارف باشد، و تصمیم به بستن عقد ازدواج نگیرید تا عِدَّةٔ وفات پایان یابد، و بدانید هرچه [نیت و تصمیمی] در دل دارید خدا می داند، پس، از مخالفت با او بپرهیزید و بدانید که خداوند بسیار آمرزنده و بردبار است «۲۳۵» بر شما گناهی نیست اگر زنان را [به دلایلی] پیش از آمیزش جنسی و عدم تعیین مهریه طلاق دهید، [در چنین وضعی بر شما لازم است] آنان را از کالای مناسبِ شأنشان بهره مند سازید، توانگر به اندازهٔ توانایی اش، تنگدست به اندازهٔ وضع مادی اش، این حقی واجب بر عهدهٔ نیکوکاران است «۲۳۶» و اگر آنان را پیش از آمیزش جنسی درحالی که مهریه برای آنان مقرر کرده اید طلاق دهید بر شما واجب است نصف مهریهٔ تعیین شده [را به آنان بپردازید]، مگر خود آنان یا کسی [چون ولی یا وکیل او] که پیوند ازدواج به دست اوست آن را بیخشد، و گذشت [و جوانمردی] شما [که همهٔ مهریه را به زن بپردازید] به تقوا [این مایهٔ عظیم و بی نظیر معنوی] نزدیک تر است، و گذشت و نیکوکاری بین خودتان را فراموش نکنید؛ یقیناً خداوند به آنچه انجام می دهید بیناست «۲۳۷»

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ  
 قَانِتِينَ ﴿٢٣٨﴾ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ  
 فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ  
 ﴿٢٣٩﴾ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا  
 وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ  
 خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ  
 مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٤٠﴾ وَلَمَّا طَلَّكَتِ مَتَعٌ  
 بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿٢٤١﴾ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ  
 اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٤٢﴾ \* أَلَمْ تَرَ  
 إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ  
 فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ  
 عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٢٤٣﴾  
 وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٤﴾ مَنْ  
 ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا  
 كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٤٥﴾



بر همه نمازها به ویژه نماز میانه [که بنا بر بعضی از روایات، نماز ظهر است،] محافظت کنید! و [هنگام عبادت،] فروتنانه برای خدا به پاخیزید! «۲۳۸» اگر [از دشمن یا پیش آمدهای خطرناک] بترسید، [نماز را] پیاده یا سواره [بخوانید!] و چون امنیت یافتید خدا را به شکر این که به شما آنچه را نمی دانستید آموخت یاد کنید [و قلباً مورد توجه قرار دهید]. «۲۳۹» کسانی از شما که مرگشان نزدیک می شود و همسرانی می گذارند [لازم است] در مورد همسرانشان وصیت کنند که آنان را تا یک سال، بدون بیرون راندن از خانه، از کالا[ی مناسب زندگی] بهره مند سازند، اما اگر آنان [به اختیار خود] خانه را ترک کردند، در آنچه درباره خود [از ازدواج یا انتخاب شغل مشروع به صورتی شایسته] انجام دهند بر شما [وارثان به علت پرداختن هزینه به آنان] گناهی نیست، خداوند توانای شکست ناپذیر و حکیم است «۲۴۰» سزاوار است [از سوی شوهران] به صورتی شایسته کالا [و وسایل زندگی] به زنان طلاق داده شده پرداخت شود، این حقی است لازم بر عهده کسانی که از خدا [اطاعت کرده، از محرّماتش] پرهیزند «۲۴۱» خداوند این گونه، احکام و قوانینش را به صورتی واضح بیان می کند تا [برای درک عمیق و شناخت دقیق آن ها] بیندیشید «۲۴۲» آیا [داستان] کسانی [که در زمان های گذشته] از ترس مرگ از دیارشان بیرون رفتند درحالی که هزاران نفر بودند ندانستی؟ پس خداوند به آنان خطاب کرد: بمیرید! [و آنان بی درنگ مردند،] سپس آنان را زنده کرد [تا به قدرت خدا و زنده شدن مردگان در قیامت و این که فرار از مرگ ممکن نیست یقین کنند]، خداوند به مردم دارای احسان است؛ ولی بیشتر مردم سپاس گزار نیستند «۲۴۳» در راه خدا پیکار کنید! و بدانید که یقیناً خدا شنوا [ی گفتار شما] و دانا [ی به کردار شما] است «۲۴۴» کیست که برای [جلب خشنودی] خدا [به نیازمندان] قرض الحسنه بدهد تا خدا آن را برایش به چندین برابر افزایش دهد؟ و خداست که روزی را تنگ کرده، و توسعه می دهد، و [همه شما را برای دریافت پاداش این عمل خیر] به سوی او باز می گرداند «۲۴۵»

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلِإِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذِ  
 قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ أَبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
 قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا  
 قَالُوا وَمَالَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا  
 مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَاءِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا  
 إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٢٤٦﴾ وَقَالَ لَهُمْ  
 نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا  
 قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ  
 بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ  
 اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ  
 وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٧﴾  
 وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ  
 التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا  
 تَرَكَ آءَالُ مُوسَىٰ وَآءَالُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ  
 إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾

آیا [داستان] آن گروه از سران و اشراف بنی اسرائیل را که پس از موسی بودند ندانستی؟ که به پیامبرشان گفتند: برای ما زمامداری انتخاب کن تا در راه خدا بجنگیم، پیامبرشان گفت: آیا احتمال نمی دهید اگر جنگ بر شما واجب شود اقدام به جنگ نکنید [و سر به نافرمانی بردارید]؟ گفتند: ما را چه شده که در راه خدا نجنگیم! درحالی که ما را از دیارمان و نزد فرزندانمان رانده اند. ولی چون جنگ بر آنان واجب شد همه آنان جز اندکی، از آن روی برتافتند، خداوند به [وضع و حال] ستمکاران آگاه است «۲۴۶» و پیامبرشان به آنان گفت: همانا خداوند طالوت را برای شما به زمامداری انتخاب کرد، گفتند: [شگفتا!] چگونه او را بر ما فرمانروایی باشد در صورتی که ما به این منصب از او سزاوارتریم، و به او ثروت فراوانی هم داده نشده. پیامبرشان گفت: خداوند او را بر شما برگزیده و وی را در دانش و قدرت جسمی فزونی داده، و خداوند [با توجه به رعایت مصلحت مردم] زمامداری را [از طرف خود] به هر کس که بخواهد عطا می کند؛ خداوند بسیار عطاکننده و داناست «۲۴۷» پیامبرشان [پس از این سخن] به آنان گفت: بی تردید نشانه زمامداری او این است که صندوق عهد، نزد شما خواهد آمد که برای شما آرامشی از سوی پروردگارتان در آن است، و نیز میراث و یادگارهایی که خاندان موسی و هارون به جا گذاشته اند در آن می باشد، و فرشتگان آن را حمل می کنند، یقیناً [آمدن این صندوق و آنچه در آن است] اگر مؤمن باشید معجزه و نشانه ای برای شماست [تا در پرتو آن زمامداری طالوت را بپذیرید] «۲۴۸»

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ  
 بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ  
 فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ  
 إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا  
 مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ  
 قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلاقُوا اللَّهَ كَم مِّن فِئَةٍ  
 قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ  
 الصَّابِرِينَ ﴿٢١٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا  
 رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا  
 عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٢٠﴾ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ  
 وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَءَاتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ  
 وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ  
 بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو  
 فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٢١﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا  
 عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٢٢﴾

پس هنگامی که طالوت با سپاهیان [برای جنگ با دشمن] بیرون رفت [به آنان] گفت: مسلماً خداوند شما را به وسیلهٔ نهر آبی آزمایش می کند، هر که [به وقت تشنگی] از آن بنوشد از من نیست، و هر که از آن نخورد از من است، مگر کسی که با دستش کفی آب بگیرد [که او نه از من است و نه مردود از لشگر]، پس همگی جز اندکی از آنان آب نوشیدند، چون او و همراهان مؤمنش از نهر گذشتند گفتند: امروز ما را قدرت مقابله با جالوت و سپاهیانش نیست، [ولی] آنان که به لقای خداوند یقین داشتند [به کسانی که فزونی دشمن، آنان را از ورود به جنگ ترسانده بود] گفتند: چه بسا گروه اندکی که به خواست خدا بر گروهی بسیار پیروز شدند، و خدا با صابران است «۲۴۹» چون [طالوت و اهل ایمان] با جالوت و سپاهیانش روبرو شدند گفتند: پروردگارا! بر ما صبری ویژه فروریز! و گام هایمان را استوار ساز! و ما را بر گروه کافران پیروز گردان! «۲۵۰» پس [طالوت و لشگرش] دشمن را به خواست خدا شکست دادند، و داود، [جوان مؤمن نیرومندی که در سپاه طالوت بود] جالوت را کشت، و خداوند به او فرمانروایی و حکمت [یعنی مقام نبوت] بخشید و از آنچه می خواست به داود آموخت، و اگر خداوند تجاوز و ستمکاری برخی از مردم را به وسیلهٔ برخی دیگر دفع نمی کرد قطعاً زمین را تباهی و فتنه فرامی گرفت؛ ولی خداوند به جهانیان دارای احسان است «۲۵۱» این [حادثه ها] از نشانه های [ربوبیت و قدرت] خداست که و درستی بر تو می خوانیم، و مسلماً تو از جملهٔ رسولانی «۲۵۲»